

## آمریکا در آتش خشمی سوزان

فشار زانوی پلیس فاشیست و نژاد پرست آمریکا برگردن جرج فلوید تبدیل به سمبل فشار سیستم برگردن سیاهپوستان گشته است. آخرین فریادهای جرج فلوید که ” نمی توانم نفس بکشیم” سمبل و صدای همه کسانی شد که در این سیستم جهنمی آلوده به فاشیسم، راسیسم، ستم و استثمار نمی توانند نفس بکشند. صدایی که تبدیل به خشم شد، و شعله های این خشم بسرعت سراسر آمریکا را در بر گرفت. و کل سیستم استثماری حاکم در آمریکا را به چالش گرفته است. سیستمی که بر اساس برده داری نسل کشی، نابرابری تبعیض نژادی، ستم و استثمار و بی آیندگی برای رنگین پوستان را در درون خود نهادینه نموده است. و از 1690 آغاز و کماکان ادامه دارد.

هفته گذشته جرج فلوید سیاه پوست 46 ساله، در شهر مینیا پولیس مقابل انظار عمومی بهت زده و معترض توسط پلیس سفید پوست فاشیست آگاهانه به قتل رسید. پلیس قاتل نزدیک به 9 دقیقه زانوی خود را بروی گردن و گلوگاه فلوید دست بسته که بر کف آسفالت خیابان افتاده بود با قدرت فشار می داد. فلوید بارها گفت ” دیگر نمی توانم نفس بکشم، لطفا مرانکش”. این جملات بارها تکرار گشت و مردم بهت زده بارها از پلیس خواستند تا زانوی خود را از گردن فلوید بردارد. اما او وقعی به این تقاضاها نگذاشت و به زندگی یک انسان پایان داد. تقریباً دو دقیقه آخر، فلوید بیهوش بود – اما فشار زانو کماکان ادامه داشت و سرانجام فلوید خفه شد. ویدئوی این جنایت از طریق شبکه های اجتماعی به سراسر جهان سریعاً پخش شد و این قساوت آشکار خشم مردم را در مقیاسی جهانی شعله ور کرد. بار دیگر زخم ناشی از حمله وحشیانه پلیس به راندی کینگ، اریک گارنر، ... تازه کرد.

”دیگر نمی توانم نفس بکشم، لطفا مرا نکشید” همان جملاتی بود که 6 سال قبل اریک گارنر دست فروش سیگار دریکی از مناطق زحمتکش نیویورگ 11 بار قبل از مرگ تکرار کرده بود. مرگ جرج فلوید خشم انباشته جوانان سیاه، رنگین پوست وحتی سفید پوستان را لبریز کرد و به خیابانها ریختند. اعتراضات در مدت چند روز به 70 شهر آمریکا گسترش یافت. تظاهراتها در همان روزهای نخستین به جلو کاخ سفید سمبل ارتجاع کشیده شد و جوانان عاصی و شجاع با ماموران امنیتی پلیس و گارد ویژه ریاست جمهوری درگیر شدند، در این نبرد بیش از 60 مامور گارد ریاست جمهوری زخمی شدند. ترامپ و خانواده اش در این درگیری به زیر زمین کاخ سفید فرار داده شدند. ترامپ در مصاحبه مطبوعاتی همان روز اعلام نمود: ” اگر تظاهر کنندگان وارد محوطه کاخ سفید می شدند با سگهای وحشی و سلاح های مرگباری مواجه می گشتند که هر گز به مغزشان هم خطور نمی کند. او در طی این چند روز بارها از مقامات دولتی و امنیتی خواسته است که خشن تر با تظاهر کنندگان برخورد کنند.

اما اینبار این جوانان جسور مصمم به نوشتن تاریخی نوینند. این نسل می داند که از سال 2005 تا کنون بیش از 15 هزار رنگین پوست توسط پلیس نژاد پرست به قتل رسیده است. زندانها پر از سیاهپوستان است. تعداد کشته شدگان غیر سفید در اثر کرونا بیش از 3 برابر سفید پوستان است. بی کاری ، بی آیندگی، تحقیر ، سرکوب و... بیداد می کند، توده های مردم می بینند که قاتلین آزادند حتی پلیس فاشیستی که جرج فلوید را در روز روشن و در انظار عمومی عمداً به قتل رساند، به قتل درجه سوم محکوم شده و به قید ضمانت آزاد است. اما آنانکه خواهان عدالتند، در همین مدت یک هفته بیش از 5000 نفرشان در زندان، صدها زخمی و 6 کشته داده اند. در بیشتر از 30 شهر حکومت نظامی برقرار گشته و ترامپ مسئولیت سرکوب شورشها را به فرمانده کل ستاد ارتش آمریکا واگذار نموده است. امپریالیستهای آمریکایی به ارتش آماده باش سراسری داده اند. پلیس ، گارد ویژه و ارتش به میدان فرا خوانده شده و عملیات سرکوب را به پیش می برند و به همراه آنان فاشیستهای

نژاد پرست مسلح به صف تظاهر کنندگان شلیک و حتی با ماشین و تریلی به صفوف آنان هجوم می‌برند. اما روی دیگر سکه، شورش زحمت‌کشان عاصی است. شورشهایی که در مدتی بسیار کوتاه به بخش‌های عظیمی از آمریکا کشیده شد. و مردم دیگرکشورهای جهان را هم به جنب و جوش درآورده و از این مبارزات مردم حمایت می‌کنند و اعتراض خود علیه فاشیسم و راسیسم نهادینه شده در دستگاه پلیس و کل سیستم حاکم ابراز می‌کنند.

شورش جوانانی که مرگ را به سخره گرفته‌اند. بهاری نوین و هوای متفاوتی را نوید می‌دهند. آنان با ازجان‌گذشتگی و جسارت با ارتجاع می‌جنگند. ارتجاعی که تا هفته قبل با جو ترورو وحشت‌حکمرانی می‌نمود، اینبار این توده‌های مبارزند که در دل ارتجاع وحشت‌انداخته‌اند. ادامه‌دار بودن و رادیکال‌تر شدن این خیزش، بر تضادهای رژیم تاثیر گذاشته و اختلافات آنان را تشدید خواهد نمود. انتقادهای ترامپ بر فرمانداران و شهرداران مناطق مختلف نشانه‌هایی از این شکاف درون ارتجاع است که صفوف انقلاب می‌توانند از آن استفاده نمایند.

ارتجاع نیز تلاش می‌کند بر صفوف جنبش تاثیر گذاشته و آنها را به ”عدالت خواهان” و ”غارتگران” تقسیم نمایند و بین آنان شکاف بیاندازند. زمانی که مناسبات توزیع دستخوش تغییرات رادیکال می‌گردد، ترامپ دستور شلیک می‌دهد. درچنین دورانی دانشگاه انقلاب به خیابانها کشیده می‌شود و علم انقلاب نقش برجسته‌ای به خود می‌گیرد و پیشروان را در مقابل سؤال چگونه باید از شر این سیستم خلاص شده و چه جامعه‌ای را باید ساخت قرار می‌دهد.

آنچه از هم اکنون می‌توان بروشنی مشاهده کرد این است که جوانان مصمم‌اند شرایط ” نمی‌توانم نفس بکشم” را به کشیدن نفس تازه تبدیل نمایند. ما از مبارزات جوانان آمریکا که در دل اژدها علیه اژدها مبارزه می‌کنند با تمام وجود حمایت می‌کنیم.